

## علوم انسانی در ایران؛ وضعیت کنونی و راه‌کارهای ارتقای آن با بهره‌گیری از الگوی تحلیل درونی / محیطی

سیدحسین حسینی\*

روح‌الله شهابی\*\*

### چکیده

هدف از نگارش پژوهش حاضر شناسایی وضعیت کنونی علوم انسانی در ایران و پیش‌نهاد راه‌کارهایی برای ارتقای آن با بهره‌گیری از الگوی «SWOT» است. روش پژوهش حاضر کیفی است و برای جمع‌آوری اطلاعات، از مطالعه کتاب‌خانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران استفاده شده است. هم‌چنین برای تحلیل داده‌ها از الگوی تحلیل درونی / محیطی (SWOT) استفاده شده است. پس از گزارش وضعیت علوم انسانی در شاخص‌های کتاب و نشریه، تعداد مقالات بین‌المللی، موزه‌های فعال و ثبت‌شده، کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه، و تعداد دانشجویان و اعضای هیئت علمی تمام‌وقت در سال اجرای پژوهش (۱۳۹۲)، با استفاده از روش تحلیل درونی / محیطی نقاط قوت و ضعف و فرصت و تهدیدها استخراج و شناسایی شد و براساس آن‌ها استراتژی‌ها و راه‌کارهایی، مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها، اصلاح ضعف‌ها از طریق رفع تهدیدها، تقویت قوت‌ها از طریق رفع تهدیدها، و تقویت قوت‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها به‌منظور ارتقای علوم انسانی در ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** علوم انسانی، الگوی تحلیل درونی / محیطی (SWOT)، ارتقای علوم انسانی.

\* عضو هیئت علمی گروه تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، Drshhs44@gmail.com

\*\* استادیار گروه علم‌النفس و روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،

shahabibe@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۰۳

## ۱. مقدمه

برای پی‌بردن به ماهیت علوم انسانی به نظر می‌رسد می‌بایست تعریف آن مورد مذاقه قرار گیرد؛ هر علمی را می‌توان براساس معیارهای مختلف از جمله روش، کارکرد، غایت، و موضوع تعریف کرد؛ در تعریف علوم انسانی از منظر روش، استوارت میل معتقد است همه استدلال‌های علمی ریشه در استقرا دارد. یعنی آزمایش و استنتاج نیز از استقرا زاییده می‌شود. بر این اساس، علوم انسانی علوم تجربی و آزمایشی نیستند، بلکه علوم استنتاجی انضمامی‌اند؛ یعنی علمی هستند که در آن هر معلولی از قوانین علتی که آن معلول را به وجود آورده است استنباط می‌شود و به همین دلیل علوم انسانی اصلی شامل علم سیاست، اخلاق، جامعه‌شناسی، و اقتصاد است و علمی مانند روان‌شناسی که روشی آزمایشی و تجربی دارند جزء این علوم به‌شمار نمی‌آیند. اما برخلاف میل برخی دیگر علوم انسانی را انسان‌شناسی تجربی می‌دانند و نه انسان‌شناسی عام. این گروه معتقدند که دانشمند از طریق تجزیه پدیده‌های تاریخی و گردآوری اطلاعات و استفاده از آمار، مناسبات متقابل پدیده‌های انسانی را توصیف می‌کند و از این‌رو علوم انسانی تجربی هستند و شامل روان‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و علوم تربیتی نیز می‌شوند. طرف‌داران این دیدگاه معتقدند که فلسفه اولی یا متافیزیک علم برتر است و موضوع آن بر تمام علوم احاطه دارد و این برتری حقیقی و وجودی است و نه اعتباری و قراردادی (ریاضی ۱۳۸۷). برخی از نویسندگان با در نظر گرفتن هر دو دیدگاه معتقد است علوم انسانی تحقق‌یافته مجموعه گزاره‌های نظام‌مندی است که با بهره‌گیری از روش‌های تجربی و مبانی غیرتجربی به تبیین و تفسیر رفتارهای فردی و اجتماعی انسان تحقق‌یافته می‌پردازد و با بیان توصیه‌های اخلاقی و حقوقی، انسان تحقق‌یافته را به انسان مطلوب و ایده‌آل در نظر گرفته‌شده راه‌نمایی می‌کند؛ بر این اساس، انحصار روش در علوم انسانی به روش تجربی ناتمام است و باید با روش ترکیبی به تحقیق علوم انسانی پرداخت (خسروپناه ۱۳۸۹: ۱۸۳-۱۸۴).

از منظر غایت بر مبنای دیدگاه نظری اندیشمندان مختلف اسلامی و غیراسلامی، تعاریف مختلفی از علوم انسانی ارائه شده است؛ آیت‌الله مصباح یزدی علوم انسانی را آن دسته از علمی می‌داند که در ساختن انسان و تکامل معنوی و روحی انسان می‌تواند نقش داشته باشد و از این جهت نیز با هدف و تعالیم انبیا ارتباط پیدا می‌کند؛ چراکه هدف انبیا نیز ساختن انسان بوده است. به این تعریف این اشکال وارد شده است که آن بخش از علوم انسانی غربی که ماهیت سکولار دارند نه تنها به تکامل انسان کمک نمی‌کنند، بلکه ممکن

است موجب انحطاط هم شوند، با این حساب باز هم علوم انسانی نامیده می‌شوند. ایشان در پاسخ معتقدند که مقوم یک علم «مسئله‌ها»ی آن علم است نه «پاسخ‌ها»ی آن مسئله‌ها. بنابراین، پاسخ‌های مسئله‌های هر یک از رشته‌های علوم انسانی، چه الهی باشد و چه الحادی، باز این رشته‌ها جزء علوم انسانی به‌شمار می‌آیند. افزون‌براین، ایشان تأکید می‌کنند که فقط پاسخ‌های صحیح است که می‌تواند در تکامل و اعتلای روح انسانی مؤثر باشد و کمالات نفسانی او را رقم بزند، نه هر پاسخی (جمعی از نویسندگان ۱۳۶۱: ۱۹۷).

میرباقری معتقد است:

قوانین در علوم انسانی از یک سو، قوانین حاکم بر چهارچوب‌های اختیار هستند که اختیارات فردی و اجتماعی را شناسایی می‌کنند و از سوی دیگر، می‌توانند واکنش‌هایی را که فرد یا جامعه بر اساس انتخاب خود نشان می‌دهد، پیش‌بینی، هدایت، و کنترل کنند. بنابراین، علوم انسانی نقش پیش‌بینی، کنترل، و هدایت رفتار انسان را پیدا می‌کند و می‌توانند او را مدیریت کنند (۱۳۹۱: ۱۳۸).

بنابراین، از نظر ایشان غایت علوم انسانی مدیریت شامل پیش‌بینی، هدایت، و کنترل رفتار فردی و اجتماعی انسان شده است.

درواقع، آنچه می‌تواند ماهیت علوم انسانی یا چیستی آن را بیان کند شاید در نزدیک‌ترین و درعین حال دقیق‌ترین معنا «صفت» آن باشد، یعنی «انسانی» که به‌معنای این است که به‌گونه‌ای به انسان تعلق دارد و این تعلق در بهترین بعد آن همان رابطه بین سوژه و ابژه است. «انسان» هم موضوع این دانش‌هاست (ابژه) و هم دانش‌گر و پژوهش‌گر آن‌ها (سوژه). پس دانش‌های انسانی دانش‌هایی درمورد موضوعی مشخص و معین به‌نام «انسان» یا فاعل دانش هستند. هیچ مرز و تمایز دقیق‌تری برای مشخص ساختن این علوم و معارف از سایر علوم و معارف نمی‌توان یافت و لذا معیارهایی چون «فرهنگ»، «تقسیم کار دانشگاهی» یا «نوع گزاره‌ها»، «روش»، «اهمیت»، و ... همه‌وهمه تابع این معیار اساسی‌اند و از آن رنگ می‌گیرند (جمشیدی ۱۳۸۷: ۹).

دشواری در فهم چیستی و ماهیت علوم انسانی در تعریف مبتنی بر موضوع آن نیز وجود دارد؛ علوم انسانی مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که به ما کمک می‌کند وجوه اجتماعی، فرهنگی، و زیستی زندگی انسان را بشناسیم (University of Oxford ۲۰۱۳)؛ علوم انسانی مجموعه علمی است که به فهم تجارب و فرهنگ انسانی کمک می‌کند (The Humanities Councils of Washington D.C. ۲۰۰۹)؛ علوم انسانی مجموعه رشته‌های

علمی است که آموزش آن‌ها به فهم، ارزش‌یابی، و نقد همه آن چیزی منجر می‌شود که انسان در سطوح مختلف معنا انجام می‌دهد (University of Uidaho ۲۰۱۳) این‌ها برخی از تعاریفی است که در مجامع علمی دنیا از علوم انسانی آمده است.

به هر ترتیب، علوم انسانی شاخه‌ای از دانش بشری است که مطالعات و تأملات انسان درباره خودش را از زوایای گوناگون در بر می‌گیرد. علوم انسانی مشتمل بر بخش‌های مشترک از تجارب انسانی است که زمینه پیوند انسان‌ها را با یک‌دیگر فراهم می‌سازد، آگاهی فرد را درباره خود و دیگران افزایش می‌دهد، درک حال و شکل‌دهی به آینده را تسهیل می‌بخشد و ما را قادر می‌سازد در مورد ابعاد مختلف و پیچیده زندگی انسانی تفکر کنیم و سؤالات اساسی و مهمی را از ارزش‌ها، اهداف، و معنای زندگی به‌شيوه‌ای دقیق و سیستماتیک و با مدد از تحلیل‌ها و ارزش‌یابی‌های کیفی طرح کنیم (عزیزی ۱۳۸۷).

در کنار دیدگاه‌های نظری و جنبه‌های تجربیدی و مفهومی صرف، می‌توان علوم انسانی را از منظر کاربردی آن نیز تعریف کرد. از این منظر، علوم انسانی شامل رشته‌های چهارده‌گانه زیر است و باتوجه به هدف، آنچه در پژوهش حاضر مورد توجه است این نوع نگاه به علوم انسانی است؛ یعنی علوم فلسفی، علوم سیاسی، علوم تربیتی، علوم روان‌شناسی، علوم حقوقی، علوم تاریخی، علوم مدیریتی، علوم زبان‌شناسی، علوم ادبی، علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم جغرافیایی، الهیات، و هنر.

آموزش علوم انسانی به صورت دروس دانشگاهی در ایران را شاید بتوان نخستین بار به «دارالمعلمین مرکزی» در سال ۱۲۹۷-۱۲۹۸ نسبت داد؛ چراکه پیش از آن در دارالفنون پیاده‌نظام، توپخانه، طب و جراحی، مهندسی، فیزیک، شیمی و داروسازی، معدن‌شناسی، و سواره‌نظام آموزش داده می‌شد. دارالمعلمین مرکزی برای تربیت و تأمین معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه تأسیس شده بود و در آن دروسی مانند روان‌شناسی، منطق، و اصول آموزش و پرورش به محصلان آن آموزش داده می‌شد. در سال ۱۳۰۸، دارالمعلمین مرکزی به دارالمعلمین عالی تبدیل شد. دارالمعلمین عالی شامل دو بخش ادبی و علمی بود که بخش ادبی آن شامل رشته‌های فلسفه، ادبیات، تاریخ، و جغرافیا بود (محمودیان ۱۳۹۰: ۲۲).

پس از آن و در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران تأسیس شد و دانشکده ادبیات یکی از شش دانشکده مصوب این دانشگاه نقش شگرفی در پایه‌ریزی و آموزش رشته‌های علوم انسانی در کشور داشت. در این دانشکده، ابتدا دو رشته «ادبیات فارسی» و «فلسفه و علوم تربیتی» و پس از آن در سال تحصیلی ۱۳۱۴-۱۳۱۵ رشته «باستان‌شناسی» افتتاح شد. در ایران تا سال ۱۳۳۷ اصطلاح «علوم انسانی» مرسوم نبود و به جای آن ادبیات به کار می‌رفت و همه

رشته‌های متعارف علوم انسانی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه، زبان و ادبیات، و غیره جزء ادبیات تلقی می‌شدند. در این سال بود که با اصرار استادان رشته‌هایی نظیر تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و تاریخ، در سردرب دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، واژه «علوم انسانی» به ادبیات افزوده شد و دانشکده ادبیات و علوم انسانی نامیده شد؛ بنابراین، اصطلاح علوم انسانی کم‌تر از نیم قرن است که وارد ادبیات و فرهنگ علمی و دانشگاهی ایران شده است. درحقیقت با بازگشت نسل اولیه دانشجویان اعزام به خارج به کشور و اشتغال در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی، علوم انسانی به تدریج وارد نهادها و مراکز آموزشی و آکادمیک شد (وبسایت دانشگاه تهران).

به‌هر ترتیب با در نظر گرفتن این همه سال از آموزش دانشگاهی علوم انسانی در ایران، به نظر می‌رسد شناخت آینده از ره‌گذر نگاه به وضعیت موجود تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، پیشرفت مستلزم پیش‌بینی آینده، بازنگری در عملکرد و اهداف، تبیین وضع موجود، و ترسیم مسیر آتی برای پاسخ‌گویی به نیازهاست (فدایی و حسن‌زاده کمند: ۱۵۸). این موضوع از این لحاظ حائز اهمیت است که ظرفیت موجود علمی هر کشوری می‌تواند به‌عنوان شاخص توسعه‌یافتگی و بیان‌گر توانش آن کشور برای تحقق اهداف متعالی خود باشد.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به دو سؤال اصلی است: وضعیت علوم انسانی در کشور به‌هنگام انجام مطالعه (سال ۱۳۹۲) چگونه بوده است؟ و این‌که براساس الگوی تحلیل درونی / محیطی چه راه‌کارهایی برای توسعه علوم انسانی در کشور می‌توان به‌کار گرفت؟

## ۲. روش

روش پژوهش حاضر کیفی است و برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از مطالعه کتاب‌خانه‌ای و روش تحلیل درونی / محیطی<sup>۱</sup> (SWOT) استفاده شده است؛<sup>۲</sup> SWOT سرواژه عبارات «strengths» (قوت‌ها)، «weaknesses» (ضعف‌ها)، «opportunities» (فرصت‌ها)، و «threat» (تهدیدها) است. در ساده‌ترین عبارت SWOT بررسی ضعف‌ها و قوت‌های درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی یک سازمان است.

در این روش پژوهش، ضعف‌ها و قوت‌های درونی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی از دیدگاه صاحب‌نظران و متخصصان یک حوزه بررسی می‌شود. نقاط قوت، کاربرد موفق، و

بهره‌برداری از عوامل کلیدی متشکله زمینه موردبررسی است و نقاط ضعف، کاربرد ناموفق شایستگی‌ها، و عدم بهره‌برداری مناسب از عوامل کلیدی متشکله زمینه موردبررسی است. فرصت‌ها و تهدیدها نیز عوامل بیرونی هستند، فرصت‌ها می‌توانند به صورت مثبت و تهدیدها می‌توانند به صورت منفی بر پارامترهای عملکردی مؤسسه، سازمان، یا زمینه موردبررسی اثرگذار باشد (فیض ۱۳۸۷: ۲۳-۲۴).

عمده استفاده این روش در موقعیت‌های تصمیم‌گیری و به‌عنوان یک منبع اصلی برای برنامه‌ریزی استراتژیک است (Bartol and Martin ۱۹۹۱). هدف از تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی ارزیابی این موضوع است که آیا زمینه موردبررسی توانسته از فرصت‌ها استفاده کند و آیا هنگامی که با وقایع ناگوار بیرونی غیرقابل کنترل مواجه شده توانسته تهدیدها را کنترل کند؟ هدف از تحلیل قوت‌ها و ضعف‌های درونی نیز ارزیابی این موضوع است که زمینه موردبررسی کار خود را با چه کیفیتی انجام داده است؟ (Chang and Huang ۲۰۰۶).

«براساس نتایج طرح تبیین و تدوین شاخص‌های مشترک و اختصاصی و طراحی مدل شاخص‌های ترکیبی ممیزی توسعه علوم انسانی» شاخص‌های فناوری و نوآوری ممیزی حوزه علوم انسانی عبارت‌اند از آموزش (دوره‌های آموزشی و آموزش ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی)، ترویج دانش (حضور رسانه‌ای [حضور رسانه‌های خبری، حضور در مجلات عمومی، حضور در رادیو و تلویزیون، و حضور در فضای مجازی])، ارائه محتوای علمی (کتاب، مقالات ترویجی، نشست‌ها، و میزگردهای علمی)، برگزاری نمایشگاه‌ها (نمایشگاه کتاب و نمایشگاه تولیدات هنری)، و موزه‌های علوم انسانی (قانونی راد ۱۳۹۲).

نمونه صاحب‌نظران این پژوهش عبارت است از سیزده نفر از مدیران گروه‌های تخصصی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی که در جلسات شورا به آسیب‌شناسی رشته مربوطه خود پرداخته‌اند یا با آن‌ها مصاحبه حضوری انجام شده است. هم‌چنین از نظرات مکتوب متخصصان حوزه‌های مختلف علوم انسانی که در کنگره علوم انسانی شرکت کرده بودند نیز استفاده شده است که به دلیل تعدد امکان ذکر اختصاصی نام آن‌ها مقدور نیست. تلاش شده است برای غربال شاخص‌ها از تکنیک دلفی استفاده شود.

### ۳. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش وضعیت موجود و ارائه راه‌کارهای ارتقا با استفاده از الگوی تحلیل درونی / محیطی ارائه می‌شود:

### ۱.۳ وضعیت موجود

براساس آمار ارائه‌شده‌ی خانه‌ی کتاب، به‌عنوان مرجع آماری و اطلاع‌رسانی چاپ و نشر کتاب در ایران، از ابتدای سال ۱۳۸۰ تا پایان سال ۱۳۹۰ تعداد ۴۶۶۵۲۸ عنوان کتاب در حوزه‌ی علوم انسانی منتشر شد که از این تعداد ۲۶۴۷۴ عنوان مربوط به حوزه‌ی فلسفه و روان‌شناسی، ۱۲۵۱۸۸ عنوان مربوط به حوزه‌ی دین، ۸۵۷۳۳۳ عنوان مربوط به حوزه‌ی علوم اجتماعی، ۴۶۴۲۳ عنوان مربوط به حوزه‌ی زبان، ۲۶۳۳۰ عنوان مربوط به حوزه‌ی هنر، ۱۲۳۸۹۴ عنوان مربوط به حوزه‌ی ادبیات، و ۳۲۴۸۴ عنوان مربوط به حوزه‌ی تاریخ و جغرافیا است.

موزه‌های فعال و ثبت‌شده‌ی حوزه‌ی علوم انسانی در کشور شامل ۳۱ مورد است که عبارت‌اند از: باغ عقیف‌آباد، موزه قاجار، موزه مردم‌شناسی اردبیل، موزه مردم‌شناسی ماسوله، موزه فرش ایران، موزه آذربایجان، خانه‌ی مشروطه (تبریز)، خانه‌ی مشروطه (اصفهان)، باغ فردوس، باغ ارم (ثبت‌شده در یونسکو)، باغ فین (ثبت‌شده در یونسکو)، موزه عصر آهن، کتاب‌خانه و موزه ملی ملک، موزه تاریخ طبیعی همدان، موزه محرم، موزه سفال، موزه استاد بهتونی، موزه صلح تهران، موزه سنجش، موزه ملی ایران، کاخ نیاوران، کتاب‌خانه‌ی اختصاصی کاخ نیاوران، موزه پارس، کاخ مروارید، زندان قصر، موزه رضا عباسی، کاخ شهرداری تبریز، کاخ موزه سعدآباد، موزه هنرهای معاصر تهران، موزه پارینه‌سنگی زاگرس، و زندان کمیته‌ی مشترک ضدخراب‌کاری.

براساس نتایج آمارگیری از کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه تا سال ۱۳۸۹، تعداد ۴۱۸۲ نفر به‌صورت تمام‌وقت و ۱۸۱۱۴ نفر به‌صورت پاره‌وقت در مراکز پژوهشی و تحقیقاتی و کارگاه‌های دارای فعالیت تحقیق و توسعه در حوزه‌ی علوم انسانی مشغول به‌کار بوده‌اند. براساس این آمار هم‌چنین تعداد ۴۳۹۴ پروژه بنیادی، ۴۸۷۶ پروژه کاربردی، و ۷ پروژه توسعه‌ای مرتبط با حوزه‌ی علوم انسانی در این کارگاه‌ها و مراکز به‌تمام رسیده است.

در زمینه‌ی نشریات مصوب، تا بازه‌ی زمانی فروردین ۱۳۹۲، تعداد ۵۱۴ نشریه علمی پژوهشی و علمی ترویجی در حوزه‌ی علوم انسانی فعالیت می‌کردند که موضوعات علوم اجتماعی، ادبیات و زبان‌ها، و مدیریت به‌ترتیب بیش‌ترین و موضوعات کتاب‌داری، ادیان، و عرفان و اخلاق کم‌ترین میزان نشریات مصوب را در اختیار دارند. بررسی‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد تعداد ۲۶ پژوهشگاه، پژوهشگاه، مرکز تحقیقات، و مؤسسه پژوهشی و ۸۱ انجمن علمی در زمینه‌ی علوم انسانی در کشور فعالیت می‌کنند.

در زمینه تعداد مقالات بین‌المللی، از داده‌های موجود در پایگاه سایماگو استفاده شده است. این پایگاه امکان مقایسه کشورهای جهان از نظر میزان تولیدات علمی را به تفکیک هر کشور، منطقه، و رشته فراهم کرده است. نتایج نشان داده است مجموع مقالات قابل ارجاع‌دهی ایران در حوزه علوم انسانی (شامل علوم انسانی و هنر، بازرگانی، مدیریت و حسابداری، اقتصاد، روان‌شناسی، و علوم اجتماعی) در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۴، و ۲۰۱۲ به ترتیب ۲۰، ۸۵، و ۲۰۴۰ بوده است. در هر سه سال بیش‌ترین آمار مربوط به علوم اجتماعی با ۱۰، ۴۸، و ۱۲۲۰ مقاله در سال‌های یادشده است.

در زمینه تعداد دانشجویان در حوزه علوم انسانی، آمارهای مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی نشان می‌دهد که مجموع تعداد کل دانشجویان علوم انسانی در تمام مقاطع تحصیلی در سال‌های تحصیلی ۱۳۷۳-۱۳۷۴، ۱۳۷۷-۱۳۷۸، ۱۳۸۱-۱۳۸۲، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، و ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به ترتیب ۱۹۰۵۲۱، ۲۶۸۷۵۸، ۳۴۶۶۴۰، ۸۶۰۵۲۶ و ۲۰۳۶۳۷۶ نفر بوده است. در زمینه تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت نیز آمارهای مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲، علوم انسانی با ۳۱ درصد بیش‌ترین تعداد اعضای هیئت علمی را داشت.

### ۲.۳ راه‌کارهای توسعه براساس الگوی تحلیل درونی / محیطی

به‌منظور ارائه راه‌کارهای توسعه، ابتدا نقاط قوت (S)، ضعف (W)، فرصت‌ها (O)، و تهدیدها (T) فهرست خواهد شد. براساس این فهرست می‌توان چهار نوع راه‌کار توسعه ارائه داد؛ در راه‌کارهای «SO» از فرصت‌های محیطی یا بیرونی براساس نقاط قوت داخلی (داخل حوزه علوم انسانی) برای توسعه بهره‌برده می‌شود؛ در راه‌کارهای «WO» با استفاده از فرصت‌های محیطی تلاش می‌شود نقاط ضعف داخلی جبران شود و به‌دنبال آن توسعه حاصل شود. در راه‌کارهای «ST» با استفاده از نقاط قوت داخلی اثرات ناشی از تهدیدهای محیطی یا بیرونی کاهش می‌یابد یا از بین برده می‌شود و در راه‌کارهای «WT» نیز تلاش می‌شود با کم‌کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدهای محیطی به ارتقای زمینه موردنظر پرداخته شود.<sup>۳</sup>

#### ۱.۲.۳ قوت‌ها (S)

منظور از نقاط قوت مزیت‌ها و توان‌مندی‌های رشته‌های علوم انسانی در مقایسه با رشته‌های علمی دیگر مانند کشاورزی، مهندسی، پزشکی، و علوم پایه است (فیض ۱۳۸۷).



این نقاط از دیدگاه صاحب‌نظران و در دو بخش نقاط قوت مبنایی و نقاط قوت خاص شامل موارد ذیل است:

- **نقاط قوت مبنایی:** (۱S) علوم انسانی قدرت و توانایی حل مشکلات انسانی و رفتاری و راه‌حل بسیاری از مشکلات جوامع را داراست؛ (۲S) علوم انسانی در تبیین و تجدید نظم جهانی نقش تعیین‌کننده دارد؛ (۳S) بسیاری از رشته‌های علوم انسانی می‌تواند عامل وحدت ملی باشد، مانند ادبیات فارسی و تاریخ؛ (۴S) نقش بی‌بدیل علوم انسانی در تمدن تاریخی ایرانی اسلامی؛ (۵S) انطباق حوزه‌های علوم انسانی بر جهت‌گیری‌های ارزشی و فرهنگی؛ (۶S) ضابطه‌مندی علمی در همه علوم مبتنی بر نظام ارزش‌ها یا ارزش‌شناسی‌ای صورت می‌گیرد که جایگاه آن در علوم انسانی است؛ (۷S) دستاوردها و محصولات علوم تجربی در نهایت به‌عنوان ابزار و وسایل در خدمت علوم انسانی قرار می‌گیرد؛ و (۸S) نقش بی‌بدیل علوم انسانی در اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه.

- **نقاط قوت روبنایی:** (۹S) رشته‌های علوم انسانی برخلاف رشته‌های دیگر می‌توانند از مفاهیم و معارف مطرح‌شده در اسلام کمک بسیاری دریافت کنند؛ (۱۰S) حوزه علمی و نیروی بالقوه آن می‌تواند به تولید مقالات و محصولات علمی در حوزه علوم انسانی کمک زیادی کند؛ (۱۱S) علوم انسانی در تبیین و تجدید نظم جهانی نقش تعیین‌کننده دارد؛ (۱۲S) توزیع امکانات آموزش عالی و توسعه رشته‌های علوم انسانی در سراسر کشور؛ (۱۳S) وجود نظام‌های حرفه‌ای در برخی از حوزه‌های علوم انسانی، مانند نظام روان‌شناسی؛ (۱۴S) بسیاری از رشته‌های علوم انسانی می‌تواند عامل وحدت ملی باشد، مانند ادبیات فارسی و تاریخ.

### ۲.۲.۳ ضعف‌ها (W)

منظور از نقاط ضعف کاستی‌ها و اشکالات درونی رشته‌های علوم انسانی در مقایسه با رشته‌های علمی دیگر مانند کشاورزی، مهندسی، پزشکی، و علوم پایه است (فیض ۱۳۸۷). این نقاط از دیدگاه صاحب‌نظران و در دو بخش نقاط ضعف مبنایی و نقاط ضعف روبنایی شامل موارد زیر است:

- **نقاط ضعف مبنایی:** (۱W) خاصیت هرمنوتیک دوگانه ابژه مورد مطالعه در علوم انسانی؛ (۲W) فراآزمایشگاهی بودن ابژه مورد مطالعه در علوم انسانی؛ (۳W) تسلط روش‌شناسی تجربی بر علوم انسانی باعث شده است تا از منابع اصیل معرفت مانند وحی

استفاده شایسته نشود و در نتیجه کاربرد علوم مذکور برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه دینی به شدت کاهش یابد؛ (۲W) وارداتی بودن اغلب منابع علوم انسانی و ترجمه متون غربی؛ (۵W) عدم توجه به تحقیقات کاربردی در علوم انسانی؛ (۶W) ابهام در معنا و مصداق آزادی اندیشه در علوم انسانی؛ (۷W) فقدان مفاهیم مورد اجماع در علوم انسانی در نزد متخصصان؛ (۸W) بحران تاریخی مسئله‌یابی پژوهش علوم انسانی در چند سده اخیر؛ (۹W) فقر روش‌شناسی و اختناق روش‌شناسانه در علوم انسانی؛ (۱۰W) فقدان زاینده‌گی در کاربرد روش‌شناسی‌ها؛ (۱۱W) فقر کانون‌ها و مراکز تولید اندیشه در علوم انسانی کشور و عدم ارتباط و تعامل بایسته آن‌ها با نظام تصمیم‌گیری کشور؛ (۱۲W) رشد نگرش ترجمه‌ای و عدم تنوع و غنی‌بودن منابع درسی و آموزشی علوم انسانی؛ (۱۳W) ابهام در جایگاه و کارکردهای علوم انسانی بومی و نظریه‌پردازی در این حوزه؛ (۱۴W) عدم وحدت رویه در اولویت‌بندی مسائل از منظر علوم انسانی؛ (۱۵W) نداشتن دستگاه فکری منظم و نظام معرفتی معین و فقدان چشم‌انداز وسیع در حوزه علوم انسانی؛ ضعف یا تشتت نظام فکری و نبود روش دقیق و جامع اندیشگانی و به تبع آن نبود هم‌افزایی در خلق اصطلاحات و تأسیس مفاهیم درون مجموعه علوم انسانی یا متناظر به حوزه کارکردی آن؛ (۱۶W) ناتوانی پژوهش‌های علوم انسانی در گره‌گشایی از معضلات فرهنگی، اخلاقی، روانی، اجتماعی، و اقتصادی جامعه؛ (۱۷W) ناتوانی در بومی‌سازی تحقیقات در علوم انسانی؛ (۱۸W) فقدان یا اجرایی‌نشدن نقشه جامع علمی و فقدان نظام حرفه‌ای در برخی رشته‌های علوم انسانی مانند مدیریت.

**– نقاط ضعف روبنایی:** (۱۹W) نهادینه‌نشدن ارزش علم و عالم؛ (۲۰W) فقدان تعامل علوم انسانی با دیگر حوزه‌های علوم؛ (۲۱W) انفعال سنتی در برابر مشق‌ات و کم‌انگیزگی در ادامه راه؛ (۲۲W) عدم درک جایگاه و اهمیت رشته‌های علوم انسانی توسط برخی استادان و دانشجویان این رشته‌ها؛ (۲۳W) عدم وجود بازار کار برای بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و عدم انگیزه دانشجویان برای انجام فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی باکیفیت؛ (۲۴W) سطح پایین کیفیت منابع و مراجع در دست‌رس و کتاب‌خانه‌ها؛ (۲۵W) نسبت پیشرفت رشته‌های علوم انسانی با سایر گروه‌های علمی کم‌تر است؛ (۲۶W) کم‌بودن نسبی تعداد ارجاعات بین‌المللی مقالات رشته‌های علوم انسانی در مقایسه با سایر رشته‌ها؛ (۲۷W) رواج دوره‌های تحصیلات تکمیلی پژوهش‌محور بدون آموزش؛ (۲۸W) فقدان محافل علمی – پژوهشی در رشته‌های علوم انسانی؛ (۲۹W) آموزش بدون کفایت علمی در دانشگاه؛ (۳۰W) ریاکاری در پژوهش؛ پژوهش‌های تزئینی و طنز

پژوهشی؛ ۳۱W) دشمنی‌ورزی با دانش غیر؛ باورسازی برای بی‌مصرف‌بودن کامل دانش علوم انسانی دیگر کشورها؛ ۳۲W) غیردوستی و غریبه‌پرستی، بی‌اعتقادی به تولیدات داخلی؛ ۳۳W) غربت رابطه علمی سازنده بین استاد و دانشجو؛ ۳۴W) دست‌رسی‌نداشتن به مأخذ دانشی موجود؛ ناآگاهی از روند علم معاصر؛ ۳۵W) پاسداری از روش‌شناسی صوری به جای ارتقای محتوای فکری پژوهش‌ها؛ ۳۶W) گسترش بی‌برنامه رشته‌های علوم انسانی بدون توجه به نیازهای بومی و منطقه‌ای کشور و بدون هرگونه نیازسنجی علمی و آموزشی؛ ۳۷W) فقدان رویکرد حرفه‌ای به بخش‌های آموزش و پژوهش در مطالعات و تحقیقات علوم انسانی کشور؛ ۳۸W) فقدان و عدم تناسب شاخص‌های بومی با شاخص‌های بین‌المللی در نظام جامع نظارت و ارزش‌یابی تحقیقات و آموزش در علوم انسانی؛ ۳۹W) مدرک‌گرایی و ارائه مدارک تحصیلی بی‌نام و نشان نظیر «فراگیر پیام نور» در علوم انسانی؛ ۴۰W) غیرکاربردی‌بودن دوره‌های آموزش عالی علمی - کاربردی در حوزه علوم انسانی؛ ۴۱W) عدم حضور فعال و کیفی کنش‌گران و پژوهش‌گران حوزه علوم انسانی در مجامع علمی و بین‌المللی؛ ۴۲W) ناکارآمدی شیوه‌های پذیرش دانشجو در رشته‌های علوم انسانی؛ ۴۳W) تسلط روحیه و روش عینی‌گرایی و کمیت‌گرایی در مراکز علمی؛ ۴۴W) ضعف خلاقیت، پویایی، و نوآوری در میان مدرسان و اولیای آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی؛ ۴۵W) رسوخ نگرش‌های مادی در پژوهش‌های علوم انسانی، تب چاپ مقاله در مجلات خارجی، قیود حساب‌گری، و مصلحت‌اندیشی در آیین‌نامه ارتقا؛ ۴۶W) عدم تسلط بسیاری از اندیشمندان، اساتید، و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی به زبان‌های خارجی؛ ۴۷W) سبک‌شماری جنبه کاربردی آموزش‌ها در دانشگاه‌های کشور؛ ۴۸W) عدم درک عمیق و ریشه‌دار فارغ‌التحصیلان علوم انسانی؛ ۴۹W) فقدان اساتید مرجع و صاحب‌نظر؛ ۵۰W) ارزش و اعتبار بیش از اندازه به مطالعات نظری در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی؛ ۵۱W) مشخص‌نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ‌التحصیل شدن؛ ۵۲W) گذاردن دروسی برای اشتغال دانشجویان در وزارت‌خانه‌ها (مانند آموزش و پرورش) بر وظایف و مأموریت‌های دانشگاهی رشته‌های علوم انسانی سایه افکنده است؛ ۵۳W) فقدان یا ضعف انگیزه بسیاری از دانشجویان؛ ۵۴W) فقدان یا ضعف انگیزه در برخی اساتید؛ ۵۵W) فقدان یک رابطه ارگانیک بین اساتید در گروه‌های علمی و گروه‌های علمی با هم و دانشکده‌های مرتبط در دانشگاه‌های مختلف؛ ۵۶W) کمبود افراد متخصص در برخی از حوزه‌های علوم انسانی مانند گرایش‌های مختلف روان‌شناسی؛ ۵۷W) عدم آشنایی کافی بسیاری از دانشجویان و

اساتید با معارف دینی؛ W۵۸) عدم پیوستگی زنجیره‌وار بین دروس کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکترا؛ W۵۹) تولید علم در بخش‌های مختلف علوم انسانی عمدتاً اقتصادی نیست و دانشمندان این علوم کم‌تر به اقتصادی‌سازی دانش خود تشویق می‌شوند؛ W۶۰) از نتایج حاصل از تحقیقات محققان علوم انسانی کم‌تر در مدیریت اجرایی کشور استفاده می‌شود؛ و W۶۱) فقدان بنگاه‌های تجاری تحت مالکیت دانشگاه برای کاربردی‌سازی نتایج تحقیقات علوم انسانی.

### ۳.۲.۳ فرصت‌ها (O)

منظور از فرصت‌ها موقعیت‌های مطلوب و مساعد محیطی برای توسعه علوم انسانی و ارتقای جایگاه آن در کشور است (فیض ۱۳۸۷). مهم‌ترین فرصت‌های محیطی برای توسعه علوم انسانی از منظر کارشناسان در دو بخش فرصت‌های مبنایی و روبنایی عبارت‌اند از:

- **فرصت‌های مبنایی:** O۱) وجود میراث غنی تاریخی و فرهنگی برای پیشرفت و توسعه علوم انسانی کشور؛ O۲) در دست‌رس بودن معارف و مفاهیم اسلامی و ارتباط عمیق آن با علوم انسانی که می‌تواند به توسعه و پیشرفت علوم انسانی کمک کند؛ O۳) تمرکز بر توسعه علوم انسانی در کشور؛ و O۴) وجود و گسترش انجمن‌های علمی، پژوهش‌شکده‌ها، مراکز پژوهشی، و نهادهای فرهنگی در حوزه علوم انسانی.

- **فرصت‌های روبنایی:** O۵) توجه و تأکید بالاترین مقام کشور (مقام معظم رهبری) به سامان‌دهی وضع علوم انسانی در کشور؛ O۶) توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی و منابع ارائه‌دهنده خدمات پژوهشی الکترونیکی؛ O۷) گسترش پذیرش ورودی‌های تحصیلات تکمیلی علوم انسانی؛ O۸) افزایش تعداد گروه‌های آموزشی و دانشگاه‌های ارائه‌کننده رشته‌های علوم انسانی؛ O۹) خودباوری بسیاری از افراد تحصیل‌کرده در این حوزه؛ O۱۰) آشنایی بیش‌تر و روبه‌رشد دانشجویان رشته‌های علوم انسانی با زبان‌های خارجی؛ O۱۱) افزایش اعتقاد به استفاده از نتایج تحقیقات میان مدیران و سیاست‌گذاران؛ O۱۲) ورود بخش خصوصی به کاربردی‌سازی یافته‌ها و دانش علوم انسانی در برخی از رشته‌ها مانند روان‌شناسی و علوم تربیتی؛ O۱۳) هدایت راه‌بردی سند چشم‌انداز بیست‌ساله و طرح نقشه جامع علمی کشور؛ O۱۴) باور فرهنگی خانواده‌های ایرانی به ارزش علم و علم‌آموزی؛ O۱۵) امکان جذب بودجه‌های پژوهشی مناسب در برخی از رشته‌ها؛ و O۱۶) امکان ایجاد رشته‌های بین‌رشته‌ای.

### ۴.۲.۳ تهدیدها (T)

منظور از تهدیدها موقعیت‌های نامساعد یا نامطلوب محیطی‌اند که بر جایگاه علوم انسانی تأثیر نامطلوب گذاشته و مانع پیشرفت یا توسعه علوم انسانی می‌شوند (فیض ۱۳۸۷). تهدیدهای محیطی مؤثر بر رشته‌های علوم انسانی از دیدگاه صاحب‌نظران در دو بخش تهدیدهای مبنایی و روبنایی عبارت‌اند از:

- **تهدیدهای مبنایی:** (۱T) تنزل جسارت در تولید نظریه ملی؛ (۲T) قحطی گفتمان و تضارب آرا؛ مچ‌گیری ناآگاهانه؛ (۳T) مهجوریت علوم انسانی و به‌فراموشی سپردن نقش و جایگاه آن در کشور؛ (۴T) عدم حمایت کافی از محققان و پژوهش‌گران حوزه علوم انسانی؛ (۵T) ساختار نامطلوب نظام آموزش عالی کشور خصوصاً در دوره متوسطه و سوق‌دادن دانش‌آموزان با استعداد به سمت رشته‌های غیر علوم انسانی؛ (۶T) غلبه تفکر مهندسی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور و دورماندن صاحب‌نظران علوم انسانی از این حوزه؛ (۷T) محدودیت بودجه تحقیقاتی در علوم انسانی؛ (۸T) ناتوانی نظام آموزش عالی در حفظ و جذب کنش‌گران و محققان نخبه علوم انسانی و عدم استفاده از ظرفیت‌های راه‌بری نخبگان این حوزه در برنامه‌های توسعه علمی و عمومی کشور؛ (۹T) فقر نگرش عمومی به علمیت علوم انسانی و فقدان برنامه‌های عملی مدون برای رفع این نوع نگاه؛ (۱۰T) بی‌توجهی عمومی و ساختاری جامعه به نقش علوم انسانی در توسعه جامعه؛ (۱۱T) عدم تناسب خروجی‌های علوم انسانی با تقاضا و نیازهای بازار کار و بخش‌های اجتماعی؛ (۱۲T) مادی‌محوری آموزش، به این معنا که روحیه منفعت‌باوری و گرایش به منافع اقتصادی و مصرف‌گرایی در جامعه باعث تمایل به رشته‌هایی شده که از بازده اقتصادی بالاتری در مقایسه با سایر رشته‌ها برخوردارند و درمقابل رشته‌هایی که در بلندمدت از تأثیرگذاری بیش‌تری برخوردارند، مانند بعضی از رشته‌های علوم انسانی، توجه و اقبال کم‌تری دارند؛ (۱۳T) تأخیر در انتقال علوم انسانی روزآمد به ایران؛ (۱۴T) عدم احساس نیاز جدی به پژوهش‌های علوم انسانی؛ (۱۵T) نبود سازمان‌های دانایی‌محور و حمایت‌های نظام‌مند از آن‌ها؛ (۱۶T) سهل‌الوصول تلقی نمودن علوم انسانی در کشور؛ (۱۷T) تداخل نگرش‌های کلامی، سیاسی، و علمی در مورد مسائل علوم انسانی؛ (۱۸T) تأکید بر توسعه ظاهری در فعالیت علمی و دانشگاهی، کسانی که به معیارهای ظاهری دست یابند تشویق و کسانی که به معنا و محتوا و کیفیت پردازند عقب می‌مانند؛ (۱۹T) تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده درباره علم و سرنوشت آن و اجرای

برنامه‌های موازی و گاه متضاد؛ ۲۰T) تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده درون‌سازمانی مانند رئیس دانشگاه، شوراهای مختلف، معاونان، رؤسای دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی؛ ۲۱T) مشکل داربودن آموزش و پرورش به‌عنوان رکن مهم توسعه علمی در بسیاری از زمینه‌ها؛ ۲۲T) جهانی‌شدن و بین‌المللی‌شدن هم‌راه با انقلاب در فناوری اطلاعات، دانشگاه‌ها را وادار به شرکت در بازارهای رقابتی آموزش و پژوهش کرده است؛ ۲۳T) کاهش حمایت‌های دولتی و خصوصی از پروژه‌های پژوهشی علوم انسانی و افزایش هزینه‌ها؛ ۲۴T) محیط درحال تغییر؛ تغییرات مداوم سیاسی، اقتصادی، و فناورانه؛ ۲۵T) به‌دست‌گرفتن مدیریت علمی کشور توسط افرادی که علوم انسانی نخوانده‌اند. این امر موجب غفلت از ارتباط دانش این افراد با لایه‌ها و سطوح مختلف فرهنگی و اجتماعی می‌شود؛ ۲۶T) فقدان یک سیستم بومی کارآمد در ارتباط با ارزیابی کمی و کیفی رشد علمی در علوم انسانی؛ ۲۷T) تلاش تاریخی برای پاگیری و شکوفایی علم در ایران بدون پشتوانه یک علوم انسانی بومی و کارآمد؛ ۲۸T) بی‌توجهی به نوآوری در علوم انسانی؛ ۲۹T) وجود انتظارات یک‌سان از علوم انسانی و سایر علوم.

- **تهدیدهای روبنایی:** ۳۰T) جست‌وجوی قهرمان و پیرپرستی حرفه‌ای؛ ۳۱T) انحصار کشورهای خاص در تسلط بر مجلات ISI؛ ۳۲T) نگرش منفی مسئولان و برنامه‌ریزان درخصوص سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تحقیقاتی در حوزه علوم انسانی؛ ۳۳T) اثرپذیری نامتعارف علوم انسانی از مسائل سیاسی و تبدیل‌شدن نهادهای علمی و آموزشی علوم انسانی به بخشی وابسته و دنباله‌رو ساختار سیاسی؛ ۳۴T) اشتهارمحوری آموزش؛ انتخاب رشته‌های تحصیلی در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها بیش‌تر براساس نوعی رویکرد اشتهاری عامیانه صورت می‌گیرد. این رویکرد ناشی از اولویت‌دهی به رشته‌های تحصیلی براساس محاسبات عامیانه و نوعی ظاهربینی و ارزش‌گذاری ساده است. عنوان آرمانی «دکتر» یا «مهندس» شدن نمود این باور عامیانه در جامعه است؛ ۳۵T) عدم رعایت حقوق مؤلفان باعث رونوشت‌برداری و حتی سرقت‌های علمی و ادبی می‌شود و این وضعیت در علوم انسانی بیش‌تر رواج دارد؛ ۳۶T) نبود نگاه واقع‌بینانه علمی درباب اهمیت نشر در حوزه علوم انسانی؛ ۳۷T) توزیع نامتوازن و تبعیض‌آمیز اعتبارات؛ ۳۸T) رشته‌های علوم انسانی نزد دانش‌آموزان دبیرستانی و والدین آن‌ها بی‌اهمیت است؛ ۳۹T) در تقاضا برای ورود به رشته‌های مختلف دانشگاهی در علوم انسانی توازن وجود ندارد؛ ۴۰T) آموزش عالی دولتی به دلایلی ازجمله رایگان‌بودن و کیفیت بهتر هم‌چنان در کانون تقاضای ورود

به دانشگاه قرار دارد؛ (۲۱T) سیاست‌های نامناسب در خصوص اعزام دانشجو به خارج از کشور در علوم انسانی و آمار اندک اعزام در علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌ها؛ (۲۲T) وجود نوعی فضای تردید و بدبینی نسبت به تولید و محتوای علوم انسانی خارجی؛ (۲۳T) فقدان نظام نمایه‌سازی استنادی مجلات فارسی؛ (۲۴T) مواجهه هم‌زمان تجربه‌گرایی و تجربه‌ستیزی در علوم انسانی.

#### ۴. بحث و تحلیل

پس از مرور نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای علوم انسانی در کشور، به‌عنوان نتیجه‌گیری، استراتژی‌های استخراج‌شده و راه‌کارهای اجرایی مبتنی بر این استراتژی‌ها برای ارتقای علوم انسانی در کشور به شرح زیر پیشنهاد می‌شود. با بهره‌مندی از الگوی SWOT این استراتژی‌ها در چهار بخش استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق رفع تهدیدها (WT)، استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها (WO)، استراتژی‌های مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق رفع تهدیدها (ST)، و استراتژی‌های مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها (SO) ارائه شده‌اند. هم‌چنین با هدف عملیاتی‌سازی و مشخص‌بودن حوزه اجرایی، استراتژی‌های چهارگانه به سه مقوله استراتژی‌های کلان، استراتژی‌های آموزشی، و استراتژی‌های پژوهشی تقسیم شدند.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، تلاش شده راه‌کارهای اجرایی تحول و توسعه علوم انسانی در چهار بخش ارائه شود. مهم‌ترین استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق رفع تهدیدها عبارت است از توسعه همکاری‌های بین‌المللی، تصحیح نگرش‌های نادرست، و پرهیز از گسترش بی‌رویه. مهم‌ترین استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها عبارت است از تقویت پایگاه‌های اطلاعاتی، سامان‌دهی اطلاع‌رسانی در زمینه علوم و تحقیقات، ایجاد اندیشه‌های کاربردی، و توجه به مسئله‌یابی. پیوند دانش بومی و غیربومی مهم‌ترین استراتژی مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق رفع تهدیدهاست. هم‌چنین، نهادسازی برای نقد علمی نظریه‌های وارداتی، توسعه تحصیلات تکمیلی باکیفیت، و تزریق

فلسفه به همه رشته‌های علوم انسانی مهم‌ترین استراتژی‌های مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌هاست.

برای هر یک از استراتژی‌های فوق راه‌کارهای اجرایی متعددی ارائه شده است که با در نظر گرفتن این راه‌کارها و با نگاه به اسناد بالادستی نظیر چشم‌انداز ایران اسلامی در افق ۱۴۰۴، سند دانشگاه اسلامی و برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه امید می‌رود اهدافی نظیر بومی‌سازی علوم انسانی با نگاه به نقد علوم انسانی غربی، نشر دانش در مجامع علمی جهانی، تحول بنیادین در آموزش عالی، گسترش کرسی‌های نظریه‌پردازی و تضارب آرا و افکار، و توجه به هم‌سویی علم و دین در تدوین برنامه‌ها و متون درسی (سند چشم‌انداز ایران اسلامی در افق ۱۴۰۴؛ سند دانشگاه اسلامی؛ سند نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹؛ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه) تحقق پذیرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. از آنجایی که پژوهش‌گران معادل فارسی مناسبی برای عبارت «SWOT» ارائه نداده‌اند، به‌منظور پرهیز از کاربرد عبارات لاتین در مقاله حاضر از عبارت تحلیل درونی / محیطی معادل SWOT استفاده شده است.

۲. هدف ما در این تحقیق تحلیل مسئله در چهارچوب ساختاری روش SWOT بوده است، اما این‌که آیا از جهت مبانی روش‌شناسی این روش تا چه‌میزانی دارای قوت سنجش مسئله است بحثی است که به مباحث روش‌شناسی پژوهش ارجاع داده می‌شود. مشابه همین سخن در خصوص شاخص‌های فناوری و نوآوری ممیزی حوزه علوم انسانی توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری جاری است که آیا چنین شاخصه‌هایی تاچه حد کامل یا جامع یا نظام‌مندند. بنابراین، مقاله حاضر تحقیق خود را بر مبنای الگوی فوق و تعیین اصل موضوعه قرارداد شاخص‌های مذکور متکی کرده است.

۳. ذکر این نکته ضروری است که به‌منظور تحلیل راه‌بردی و شناسایی نقاط ضعف و قوت و هم‌چنین فرصت‌ها و تهدیدهای حوزه علوم انسانی در کشور، از دیدگاه صاحب‌نظران استفاده شده است. بدین منظور آثار مکتوب محققان این حوزه مورد توجه بوده که به‌دلیل کثرت موارد و دشواری ارجاع درون‌متنی، فهرست آن‌ها در منابع آمده است. هم‌چنین به مصاحبه حضوری با برخی استادان و گزارش‌های یازده تن از رؤسای گروه‌های مختلف علوم انسانی در شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع علوم انسانی در کشور در زمینه نقد و بررسی کتب و متون این حوزه مراجعه شده است (حسینی ۱۳۹۳).



ردیف	نوع استراتژی	استراتژی	مقوله اجرایی	راه کارهای اجرایی
۱	W۳۴۱۹ W۲۶۵۱۰	توسعه همکاری بین دانشگاه‌های داخل و خارج	کلان	✓ انعقاد تفاهم‌نامه بین دانشگاه‌های داخل و خارج در زمینه‌های مختلف از جمله تبادل دانشجو و استاد، برگزاری همایش‌های مشترک علمی، برگزاری اردوهای علمی مشترک، انتشار مجلات و کتب مشترک
۲	W۲۸۴۱۸ W۱۴۱۸ W۱۸۵۱۳	بازنگری در معیارهای اولویت و شاخص‌های ارزیابی	کلان	✓ پایش مستمر وضعیت تولید علم در کشور و مقایسه شاخص‌های آن با دنیا و منطقه. ✓ تدوین استانداردهای کیفی و بومی برای بسیاری از رشته‌های علوم انسانی
۳	W۳۴۲۷ W۹۵۲ W۱۰۵۲	تنوع بخشی به روش‌شناسی‌های پژوهش در علوم انسانی	پژوهشی	✓ در تدوین سرفصل‌های دروس روش تحقیق به روش‌شناسی‌های مختلف توجه شود. ✓ برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه آموزش و بیان ضعف‌ها و قوت‌های روش‌شناسی‌های مختلف ✓ کاهش تأکید برخی از مجلات علوم انسانی به ویژه در حوزه‌های علوم اجتماعی و روان‌شناسی بر روش‌های پژوهشی خاص ✓ الزام دانشجویان به ارائه پژوهش مبتنی بر روش‌شناسی‌های مختلف و ترغیب استادان به این کار.
۴	W۴۴۲۸ S۱۵۱۱ W۸۵۲	انتشار ایده‌های نو در علوم انسانی	پژوهشی	✓ فراهم آوردن مشوق‌ها و حمایت مالی از ارائه ایده‌های نو ✓ راه‌اندازی گرایش‌های نو در رشته‌های علوم انسانی موجود
۵	W۱۳۲۲	زمینه‌سازی برای تضارب آرا و افکار در علوم انسانی	پژوهشی	✓ توسعه کرسی‌های نظریه‌پردازی مورد تأکید مقام معظم رهبری
۶	W۳۰۱۳۵	نظام‌مهندسازی تحقیقات با	پژوهشی	✓ ارائه لیست مقالات یا پایان‌نامه‌های انجام شده در یک زمینه خاص

استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق رفع تهدیدها

به دانشجویان توسط مرکز اسناد ملی و کتابخانه‌های مرکزی ارائه گواهی مبنی بر نو و اصیل بودن موضوع پژوهشی توسط استاد راه‌نمای پایان‌نامه یا رساله	هدف جلوگیری از دوباره‌کاری و موازی‌کاری	W۳۰۴۴۳	
✓ باتوجه به سرعت تحولات در حوزه‌های مختلف، بازنویسی بسیاری از کتب علوم انسانی دبیرستانی براساس نیازهای امروزی دانش‌آموزان توصیه می‌شود.	آموزشی	W۲۴۴۱۳ W۱۲۵۱ W۳۴۵۱۰ W۱۲۵۲	۷
✓ استفاده از آثار اندیشمندان و فیلسوفان معاصر در کتب علوم انسانی	روزآمدسازی کتب درسی علوم انسانی دبیرستان		
✓ ترغیب استادان ایرانی خارج از کشور به چاپ مقالات در مجلات تخصصی فارسی و تألیف کتب به زبان فارسی از طریق سیاست‌های تشویقی	ارتباط علمی گسترده‌تر با استادان علوم انسانی ایرانی خارج از کشور	W۴۱۴۱۱ S۳۴۳۳ S۴۵۱	۸
✓ دعوت از استادان ایرانی برای شرکت در کرسی‌های نظریه‌پردازی و همایش‌های داخلی			
✓ برگزاری بیش‌تر دوره‌های ضمن خدمت و آموزشی برای استادان الزام به گذراندن برخی دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی به‌ویژه در برخی رشته‌های کاربردی تر علوم انسانی	آموزشی	W۲۰۴۱۳ W۲۱۴۱۲ W۲۲۵۳ W۲۴۴۱۳	۹
✓ احیای نقش کمک مدرسین و کمک پژوهش‌گران			
✓ لغو مجوز برخی رشته‌های دانشگاهی که نیاز جامعه برای سال‌ها در آن رشته‌ها تأمین شده است.	مجوز ایجاد رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها موقتی باشد.	W۳۶۴۲۴	۱۰
✓ لغو مجوز برخی رشته/محل‌ها براساس کارایی آموزشی و پژوهشی گروه مربوطه	آموزشی		
✓ زمینه‌های شغلی رشته‌های مختلف علوم انسانی احصاء و آموزش مهارت‌های موردنیاز برای این مشاغل در سرفصل دروس موردتوجه قرار گیرد.	بازبینی سرفصل دروس براساس زمینه‌های بومی و شغلی	W۳۶۴۱۱ W۱۲۵۱ W۱۲۵۲	۱۱
✓ افزایش تعداد واحدهای عملی و کارورزی و نظارت بر حسن			

علوم انسانی در ایران؛ وضعیت کنونی و راه کارهای ارتقای آن ... ۱۱۹

اجرای آن در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی	W1۷۵۱		
	W1۷۵۲		
✓ باتوجه به تفاوت درآمدی بین محققان حوزه‌های علوم انسانی و سایر حوزه‌ها (مانند علوم فنی و مهندسی و پزشکی) اصلاح قوانین ضروری به نظر می‌رسد.	اصلاح قوانین مربوط به حقوق و دست‌مزدها به منظور تأمین مالی دانشمندان و محققان	آموزشی	۱۲
✓ اثرگذاری شاخص‌های کیفی مشخص مانند کاربردی بودن، تجاری بودن، بین‌المللی بودن، و ... در پرداخت حق‌الزحمه‌ها	W۵۴۱۳۶		
	W۶۱۵۱۵		
	W۶۱۴۴		
✓ توسعه کرسی‌های نظریه‌پردازی مورد تأکید مقام معظم رهبری	زمینه‌سازی برای تضارب آرا و افکار در علوم انسانی	پژوهشی	۱۳
	W۱۳۲۲		
	W۴۵۲		
	W۴۵۱		
	W۱۱۴۲۶		
✓ آسیب‌شناسی توسعه کمی تحصیلات تکمیلی در کشور، به‌ویژه در مقطع دکتری	حفظ حریم علوم انسانی با پرهیز از گسترش آرایشی دوره‌های علوم انسانی	کلان	۱۴
	W۲۷۵۱۱		
	W۲۹۴۹		
	W۳۹۴۳۴w۱۱۴۲۶		
✓ ملزم نمودن مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها به عقد قرارداد با پایگاه‌های اطلاعاتی ارائه‌دهنده خدمات در حوزه‌های مختلف علوم انسانی	تقویت پایگاه‌های اطلاعاتی رشته‌های علوم انسانی	کلان	۱۵
✓ ملزم نمودن مجلات علمی پژوهشی به نمایه‌سازی مقالات منتشره خود در یک سامانه جامع علمی			
✓ فراهم کردن تسهیلات برای مجلات علمی پژوهشی داخلی برای ارائه تمام متن مقالات خود در پایگاه‌های اطلاعاتی			
✓ فراهم نمودن تسهیلات برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان مقاطع			

استراتژی‌های مبتنی بر اصلاح ضعف‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها

تحصیلات تکمیلی برای استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی					
✓ بهره‌مندی دستگاه‌های اجرایی از توان مدیریتی یا مشاوره علمی انديشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی	✓	کلان	استفاده از مدیران دانشمند در سازمان‌های علمی	W۶۰۵۱۱ W۶۰۱۲۵	۱۶
✓ ملزم کردن دستگاه‌های اجرایی به تشکیل حلقه‌های مشاوره علمی در حوزه مسائل علوم انسانی	✓				
✓ ترغیب تولید دانش بدون محدودشدن در یک روش شناسی خاص	✓	پژوهشی	برچیدن فرهنگ پاسداری از روش به جای ارتقای ظرفیت فکری جامعه	W۱۵۱۲۸ W۹۵۲	۱۷
✓ تنظیم قوانین و دستورالعمل‌هایی در این زمینه	✓				
✓ ارتباط تمام مراکز آموزشی و پژوهشی در جهت تکمیل چرخه تولید علم، فناوری، تجاری‌سازی	✓		ایجاد هماهنگی و همکاری بین دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی	W۱۱۵۱۱ W۶۱۵۱۲ W۶۱۵۱۳	۱۸
✓ همکاری و هماهنگی نهادهای مرتبط با علوم انسانی در کشور با وزارت علوم؛ نهادهایی مانند صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی	✓	پژوهشی			
✓ بهبود وضعیت ارتباط دانشگاهیان با بازار چاپ و نشر	✓				
✓ تهیه یک نرم‌افزار جامع در زمینه نمایه‌سازی موضوعات پژوهشی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی	✓				
✓ تأسیس یک مرکز تخصصی یا معاونت در مراکز موجود در زمینه موضوعات پژوهشی علوم انسانی براساس نیازسنجی‌ها و اعتبارات.	✓	پژوهشی	سامان‌دهی وضعیت اطلاع‌رسانی در زمینه علوم و تحقیقات	W۳۴۵۴	۱۹
✓ انتشار یک نشریه در دوره‌های منظم حاوی پژوهش‌های انجام‌شده و پیش‌نهادی به تفکیک موضوعی	✓				
✓ تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در کشور مانند افزایش پهنای باند، افزایش ضریب نفوذ	✓				

علوم انسانی در ایران؛ وضعیت کنونی و راه کارهای ارتقای آن ... ۱۲۱

✓ ایجاد و راه اندازی اندیشه‌هایی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی با هدف تولید محصولات کاربردی و تجاری در حوزه‌های مختلف علوم انسانی	پژوهشی	ایجاد اندیشه‌های کاربردی	W۵۵۴ W۸۵۴ W۱۶۵۱۲ W۴۰۵۱۲ W۴۷۵۱۲	۲۰
✓ تأسیس بنگاه‌های تجاری تحت مالکیت دانشگاه برای کاربردی‌سازی یافته‌های پژوهشی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی				
✓ تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در تحقیقات علوم انسانی	پژوهشی	ارتقای فرهنگ پژوهش‌گری	W۲۷۵۷ W۸۵۱۱ W۱۶۵۱۱ W۲۸۵۴ W۲۸۵۱۲	۲۱
✓ حمایت برنامه‌ریزی شده از رساله‌های دانشجویی				
✓ برگزاری همایش‌های بین‌المللی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی				
✓ دعوت از اندیشمندان مختلف علوم انسانی دنیا در جلسات نقد نظریه و سخن‌رانی				
✓ انتشار کتاب به زبان‌های خارجی توسط نویسندگان داخلی	پژوهشی	برای تعامل با دانشمندان جهان و جهانی شدن تولیدات علمی داخلی صرف چاپ مقاله در ISI کافی نیست.	W۴۱۵۱۰ W۳۴۱۱۳ W۴۱۱۱۳ W۴۵۱۱۸	۲۲
✓ تسهیل حضور اندیشمندان داخلی در همایش‌های بین‌المللی				
✓ افزایش امتیاز ارائه شفاهی در همایش‌های خارج از کشور در فرم ارتقای استادان				
✓ حضور اندیشمندان علوم انسانی در برنامه‌های رادیو تلویزیونی بین‌المللی				
✓ انتشار مجلات جامعه‌محور بین‌المللی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی				
✓ برگزاری کارگاه‌های آموزشی بین‌المللی				
✓ انجام نیازسنجی پژوهشی و شناسایی دقیق مسئله	کلان	در کنار مباحث تزویج توجه به مسئله‌یابی و حل مسئله در پژوهش‌های علوم انسانی	W۸۵۱۱	۲۳
✓ تأکید بر بخش پیش‌نهادت کاربردی پژوهش‌ها				
✓ اولویت‌بندی نیازهای تحقیقاتی در حوزه علوم انسانی				

۱۳۲ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۹۷

✓ تسهیل در دادن مجوز به نشریات مصوب به زبان خارجی با حفظ کیفیت علمی	✓	افزایش تعداد مجلات علمی پژوهشی	W۴۱۵۷	
✓ دعوت از استادان دانشگاه‌های خارجی برای عضویت در هیئت تحریریه و داوری این‌گونه مجلات	✓	پژوهشی مصوب به زبان انگلیسی	W۳۵۰۱۰	۲۴
✓ دعوت از استادان خارجی برای چاپ مقالات	✓		W۳۴۵۱۰	
✓ راه‌اندازی شبکه جامع شناسایی استادان حوزه علوم انسانی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها باتوجه به رشته و گرایش‌های تخصصی و مدیریت نظام‌مند آن	✓			
✓ برگزاری سلسه کارگاه‌های پژوهشی و نیز کارگاه‌های آموزشی نقد کتاب در حوزه علوم انسانی	✓			
✓ راه‌اندازی پژوهشکده‌های نقد متون در مجامع دانشگاهی و انجمن‌های علمی	✓	کلان	توسعه نقد متون علوم انسانی در کشور به منظور کیفیت‌بخشی به این متون	W۱۲۰۱
✓ تنظیم سند جامع نقد در حوزه علوم انسانی	✓			
✓ راه‌اندازی مجلات تخصصی علمی پژوهشی و علمی ترویجی در حوزه نقد متون علوم انسانی	✓			
✓ استفاده از ابزارهای لازم برای تشویق اعضای هیئت علمی به نقد علمی کتب و مقالات حوزه علوم انسانی	✓			
✓ ترویج نقد	✓	کلان	ایجاد شبکه نقد متون علوم انسانی	W۳۵۲
✓ نهرا سیدن از گفتمان و تضارب آرا	✓			۲۶
✓ حفظ ارتباط سازمانی فارغ‌التحصیلان با دانشگاه از طریق تداوم عضویت در کتاب‌خانه و پست الکترونیک،	✓			S۱۲۵۸
✓ ارسال چکیده مقالات و پایان‌نامه‌ها برای فارغ‌التحصیلان	✓			W۳۹۴۱۱
✓ استفاده از روش‌های جدید آموزش و تدریس و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های موجود در این زمینه	✓	آموزشی	تربیت نیروی کارآمد جامع‌الانسانی	W۴۴۱۸
✓ فراهم کردن دوره‌های بازآموزی ویژه فارغ‌التحصیلان	✓			W۴۷۵۱۲
				W۵۴۱۳۸

		W۲۳۳۸																																					
✓ افزایش ضریب نمره درس زبان خارجی در آزمون ورودی مقاطع مختلف تحصیلی علوم انسانی	✓ تأکید بر مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن، شنیدن، و درک مطلب در کتب درسی زبان خارجی دبیرستانی	✓ تدریس برخی از دروس به صورت زبان خارجی در مقطع دکتری	✓ استفاده از متون مرجع به زبان اصلی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی	✓ تبیین علمی جایگاه علوم انسانی در پس‌زمینه توسعه علمی و اقتصادی کشورهای پیشرفته	✓ آشنا کردن نسل امروز با اندیشمندان علوم انسانی و برجسته‌سازی نقش آن‌ها در توسعه علم.	✓ کاربردی‌سازی علوم انسانی در کشور و آشنایی دانش‌آموزان دبیرستانی و خانواده‌های آنان در اهمیت و ضرورت علوم انسانی	✓ نام‌گذاری روز علوم انسانی در کشور	✓ پرهیز از افراط در رد یا پذیرش دانش غیربومی	✓ تهیه متون درسی با تأکید بر حفظ نقاط قوت دانش غیربومی و نگاه انتقادی به ضعف‌های آن	✓ تهیه متون درسی با تأکید بر نگاه تطبیقی بین دانش بومی و غیربومی	✓ ترغیب به تألیف اسناد پژوهشی مشترک بین استادان دانشگاه‌ها و حوزه‌ها	✓ تأسیس نهادهای پژوهشی برای نقد منصفانه نظریه‌های وارداتی	✓ محول کردن وظیفه نقد نظریه‌های وارداتی به نهادهای موجود از جمله شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی	توجه به آشنایی دانش‌آموزان و دانشجویان علوم انسانی با زبان‌های خارجی	تصحیح نگرش‌های نادرست به علوم انسانی	پیوند بین دانش بومی و غیربومی	ایجاد نهادی در دانشگاه‌ها برای نقد نظریه‌های وارداتی	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	W۴۱۵۱۰	S۱۵۱	S۶۵۱	S۶۵۲	S۸۵۲	W۴۸۵۱۴	S۹۴۲۷	W۴۵۲	W۴۴۱	W۳۱۴۲۷	W۳۳۳۰	S۱۲۵۷	W۲۷۴۱۸	کلان	کلان	کلان	کلان	کلان
														استراتژی‌های مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق رفع تهدیدها	استراتژی‌های مبتنی بر تقویت قوت‌ها از طریق بهره‌مندی از فرصت‌ها																								

<p>✓ راه‌اندازی رشته‌های تازه برحسب نیاز جامعه و نیز راه‌اندازی رشته‌های بین‌رشته‌ای و مطالعات تطبیقی</p> <p>✓ بهره‌مندی از استادان بین‌المللی در تدریس و آموزش</p> <p>✓ توقف ارائه مجوز به دانشگاه‌های فاقد زیرساخت‌های لازم برای توسعه تحصیلات تکمیلی</p>	<p>آموزشی</p>	<p>توسعه تحصیلات تکمیلی باکیفیت</p>	<p>S1207 W227418</p>	<p>۳۲</p>
<p>✓ افزایش تعداد واحدهای فلسفه در رشته‌های مختلف</p>	<p>کلان</p>	<p>تزریق فلسفه به‌طور اعم و فلسفه اسلامی به‌طور اخص در همه رشته‌های علوم انسانی</p>	<p>S102</p>	<p>۳۳</p>





## کتاب‌نامه

- پایگاه مجلات تخصصی نور (مهر ۱۳۹۲): <[www.noormags.com](http://www.noormags.com)>.
- پورتال جامع علوم انسانی (مهر ۱۳۹۲): <[www.ensani.ir](http://www.ensani.ir)>.
- تارنمای خانه کتاب (شهریور ۱۳۹۲): <[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)>.
- تارنمای مرکز آمار ایران (شهریور ۱۳۹۲): <[www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)>.
- تارنمای مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی: <<http://irphe.ac.ir>>.
- تارنمای مؤسسه سایماگو (بهمن ۱۳۹۲): <<http://www.scimagojr.com>>.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷)، «علوم انسانی و رسالت انسان، علوم انسانی و تحول فرهنگی و معنوی جامعه معاصر»، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، به‌کوشش مظفر نامدار.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۱)، علوم انسانی، اسلام، و انقلاب فرهنگی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۳)، برنامه‌ها، اهداف، و رویکردهای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی معرفت‌شناختی علوم انسانی، نسبت‌گرایی آسیب‌بنیادین علوم انسانی»، کتاب تقد، س ۱۲، ش ۵۵-۵۶.
- ریاضی، عبدالمهدی (۱۳۸۷)، «ضرب تأثیر پژوهش‌های علوم انسانی را بیش‌تر کنیم؛ پیش‌نهادهای مدل تأثیر»، کنگره ملی علوم انسانی: وضعیت امروز و چشم‌انداز فردا، تهران ۲۲ تا ۲۴ اسفند.
- سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۸۹)، مصوب جلسات ۱۳۸۹/۰۲/۲۱ لغایت ۱۳۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۸۷)، «بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های تحصیلات دانشگاهی در حوزه علوم انسانی؛ تأملی بر نظرات دانشجویان»، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، به‌کوشش مظفر نامدار.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲)، آرا و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فیض، داوود (۱۳۸۷)، «بررسی جایگاه علوم انسانی در نظام آموزشی، پژوهشی و مدیریتی کشور و ارائه راه‌کارهای ارتقای آن با استفاده از مدل SWOT»، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، ج ۸.
- قانع‌راد، محمدمبین (۱۳۹۲)، «شاخص‌های فناوری و نوآوری ممیزی حوزه علوم انسانی»، سند منتشر نشده، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری.
- قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰-۱۳۹۴ مصوب مجلس شورای اسلامی.
- محمودیان، فاطمه (۱۳۹۰)، «تاریخچه آموزش و پرورش در ایران»، رشد آموزش راه‌نمایی تحصیلی، دوره ۱۶، ش ۷.

۱۲۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال هجدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۹۷

میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۱)، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، قم: فجر ولایت.

Bartol, K. M. and D. C. Martin (۱۹۹۱), *Management*, New York: Mc Graw Hill.

Change, H. H. and W. Hunge (۲۰۰۶), "Application of Quantification SWOT Analysis Method", *Mathematical and Computer Modeling*, vol. ۴۳.

The Humanities Councils of Washington D.C. Updated by Joy Autin (۱۲/۱۴/۲۰۰۹).

University of Oxford Portal: <<http://www.ox.ac.uk>>, Date of access: ۱۵/۹/۲۰۱۳.

University of Uidaho Portal: <<http://www.uidaho.edu>>, Date of access: ۱۵/۹/۲۰۱۳.

